



تفسیر بیّنات

سوره دخان

پژوهشی قرآنی بر اساس استنباط سنت های الهی
از آیات قرآن حکیم

برگشت از درس تدبیر

حضرت آیه الله العظمی سید محمد تقی مدرّسی

تهیه و تنظیم

حجت الاسلام سید سجاد مدرّس

ترجمه

محمد تقدّمی صابری

سرشناسه

مدرسی، سید محمد تقی، ۱۹۴۵ - م.

عنوان و نام پدیدآور

تفسیر بینات: سوره دخان، پژوهشی قرآنی بر اساس استنباط سنت‌های الهی از

آیات قرآن حکیم / تهیه و تنظیم سید سجاده مدرسی؛ ترجمه محمد تقدیمی صابری.

مشخصات نشر

مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری

۲۲۹ ص.

وضعیت فهرست‌نویسی

فیبا. شابک 4-0343-06-978

یادداشت

کتابنامه ۲۲۹ - ۲۲۷. همچنین به صورت زیر نویس.

موضوع

تفاسیر (سوره دخان).

موضوع

تفاسیر شیعه - قرن ۱۴.

سازمان افزوده

مدرسی، سید سجاده، ۱۹۸۹ - م.

شناسه افزوده

تقدیمی صابری، محمد، ۱۳۵۲ - مترجم.

شناسه افزوده

بنیاد پژوهشهای اسلامی

۲۹۷ / ۱۸

به دیوبند

BP ۱۰۲ / ۷۸ / م ۴ ۷ ۱۰

در کتبه

۵۶۴ / ۱۶

شماره کتابشناسی



تفسیر بینات: سوره دخان

پژوهشی قرآنی بر اساس استنباط سنت‌های الهی از آیات قرآن حکیم

برگرفته از درس تدبیر حضرت آیه الله العظمی سید محمد تقی مدرسی

تهیه و تنظیم: سید سجاده مدرسی

ترجمه محمد تقدیمی صابری

ویراستاران: محمد رضا مروارید، دکتر اندیشه قدیریان

نمونه خوان: سید ابوالقاسم موسوی

طراح جلد: بهناز ازغدی

حروفنگار: محمود رسولی

چاپ اول: ۱۳۹۸ / ۲۵۰ نسخه، رقعی / قیمت ۳۲۵۰۰۰ ریال

چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد: صندوق پستی ۹۱۷۳۵-۳۶۶

تلفن و دورنگار واحد فروش بنیاد پژوهشهای اسلامی: ۳۲۲۳۰۸۰۳

www.islamic-rf.ir

info @islamic-rf.ir

حق چاپ محفوظ است

فهرست مطالب

۲۶..... کتاب روشنگر	۹..... سخن نااش
۲۶..... حدیث	۱۱..... پیشگفت
۲۶..... شرح تدبیر	۱۳..... درآمد
۲۹..... بصیرت ها و سنت های الهی	۱۳..... فضیلت سوره
۳۰..... شب فرخنده	۱۳..... نام گذاری سوره
۳۰..... حدیث	۱۴..... چارچوب عمومی سوره
۳۰..... شرح تدبیر	۱۵..... نظریه الحادی
۳۶..... بصیرت ها و سنت های الهی	۱۶..... نظریه یهودیان
۳۷..... پیام شب قدر	۱۷..... ایمان به آفریدگار حاکم
۳۷..... حدیث	۱۷..... ارتباط میان آفریدگار و آفریده
۳۷..... شرح تدبیر	۱۸..... دعا، راه شناخت خدا
۳۹..... انسان میان جبر و اختیار	۲۱..... افزایش شناخت خدا، چگونه ؟
۴۱..... شب قدر، شب سرنوشت ساز	۲۴..... حروف مقطعه
۴۲..... بیشتر بخواه !	۲۴..... حدیث
۴۴..... از حکمت های دعا	۲۵..... شرح تدبیر
۴۵..... بصیرت ها و سنت های الهی	۲۵..... بصیرت ها و سنت های الهی

۶۳..... شرح تدبیر.....	۴۶..... امری از سوی خدا.....
۶۴..... بصیرت‌ها و سنت‌های الهی.....	۴۶..... شرح تدبیر.....
۶۵..... انتظار عذاب.....	۴۷..... بصیرت‌ها و سنت‌های الهی.....
۶۵..... حدیث.....	۴۹..... رحمتی از پروردگار.....
۶۵..... شرح تدبیر.....	۴۹..... حدیث.....
۶۷..... مراتب عذاب دنیوی.....	۵۰..... شرح تدبیر.....
۶۷..... عذاب بیم و هشدار بر عرب.....	۵۰..... انسان، آفریده متمایز.....
۶۹..... بصیرت‌ها و سنت‌های الهی.....	۵۱..... عقل، ابزاحجات.....
۷۱..... ما ایمان داریم.....	۵۲..... بیم دادن و شرط تأثیر آن.....
۷۱..... شرح تدبیر.....	فرستادن فرستادگان، تبلیغی.....
۷۲..... بصیرت‌ها و سنت‌های الهی.....	۵۳..... رحمت الهی.....
۷۳..... انحراف میان ریشه و میوه.....	۵۴..... بصیرت‌ها و سنت‌های الهی.....
۷۳..... حدیث.....	۵۵..... انسان و یقین.....
۷۴..... شرح تدبیر.....	۵۵..... حدیث.....
۷۵..... بصیرت‌ها و سنت‌های الهی.....	۵۵..... شرح تدبیر.....
تکذیب رسول خدا ﷺ و اتهام زنی	۵۷..... بصیرت‌ها و سنت‌های الهی.....
۷۶..... به او.....	۵۸..... پروردگار همه چیز.....
۷۶..... شرح تدبیر.....	۵۸..... شرح تدبیر.....
۷۸..... تکذیب پیامبر، کفر به خدا.....	۶۰..... ارزش‌ها، معیار حق.....
۷۹..... بصیرت‌ها و سنت‌های الهی.....	۶۱..... بصیرت‌ها و سنت‌های الهی.....
۸۰..... شما باز از سر می‌گیرید!.....	۶۳..... در رویارویی با دعوت.....
۸۰..... شرح تدبیر.....	۶۳..... حدیث.....

۱۰۳..... پناه بردن به پروردگار	۸۱..... بصیرت‌ها و سنت‌های الهی
۱۰۳..... شرح تدبیر	پیشسازی رحمت پروردگار بر خشم
۱۰۳..... ویژگی سوم: ستیز با مصلحان	۸۲..... او
۱۰۵..... بصیرت‌ها و سنت‌های الهی	۸۲..... شرح تدبیر
۱۰۶..... پیروی یا کناره‌گیری	۸۶..... بصیرت‌ها و سنت‌های الهی
۱۰۶..... شرح تدبیر	۸۸..... قم، فرعون و عذاب پروردگار
۱۰۷..... نبود زبان همزیستی	۸۸..... شرح تدبیر
۱۱۰..... بصیرت‌ها و سنت‌های الهی	جامعه، آردرس، ناتباهی
۱۱۱..... مردمان گنهکار	۹۱..... فرعون و قوم
۱۱۱..... شرح تدبیر	۹۴..... بصیرت‌ها و سنت‌های الهی
۱۱۲..... بصیرت‌ها و سنت‌های الهی	۹۵..... رسالت موسی (ع)
۱۱۳..... بدگانم را شبانه ببر	۹۵..... شرح تدبیر
۱۱۳..... شرح تدبیر	ویژگی اول: به بندگی گرفتن
۱۱۴..... بصیرت‌ها و سنت‌های الهی	۹۵..... ناتوانان
۱۱۵..... سپاهان عرق‌ننده!	۹۶..... واقعیت روزگار معاصر
۱۱۵..... شرح تدبیر	موسی (ع) درستیز با به بندگی
۱۱۶..... بصیرت‌ها و سنت‌های الهی	۹۸..... گرفتن مردم
۱۱۸..... پایه‌های تمدن	۹۹..... بصیرت‌ها و سنت‌های الهی
۱۱۸..... شرح تدبیر	بر خدا برتری مجوید
۱۱۹..... بصیرت‌ها و سنت‌های الهی	۱۰۰..... شرح تدبیر
۱۲۰..... کشتزارها و جایگاه‌های نیکو	۱۰۰..... ویژگی دوم: برتری جویی بر خدا
۱۲۰..... شرح تدبیر	۱۰۲..... بصیرت‌ها و سنت‌های الهی

۱۳۹..... حدیث	«مقام کریم» به چه معناست؟ ۱۲۰
۱۳۹..... شرح تدبیر	بصیرت ها و سنت های الهی ۱۲۱
۱۳۹..... انسان اولیه و انسان متمدن	برخورداری از نعمت ۱۲۲
۱۴۰..... انواع تجربه	شرح تدبیر ۱۲۲
۱۴۲..... تمدن فراعنه	بصیرت ها و سنت های الهی ۱۲۳
۱۴۶..... برتری در روزگار معاصر	بنی اسرائیل، وارث فرعون ۱۲۴
۱۴۶..... بصیرت ها و سنت های الهی	شرح تدبیر ۱۲۴
۱۴۸..... برگزیدن بنی اسرائیل	بصیرت ها و سنت های الهی ۱۲۵
۱۴۸..... حدیث	احساس ذلالت ۱۲۶
۱۴۸..... شرح تدبیر	حدیث ۱۲۶
۱۵۱..... بصیرت ها و سنت های الهی	شرح تدبیر ۱۲۶
۱۵۲..... آتش با نشانه های الهی	گریه آسمان و زمین... چگونگی ۱۲۷
۱۵۲..... شرح تدبیر	آیا حیوانات درک دارند؟ ۱۲۸
۱۵۴..... بصیرت ها و سنت های الهی	تأویلات ضعیف ۱۳۱
۱۵۵..... ما زنده هستیم	نگریستن آسمان و زمین بر ۱۳۱
۱۵۵..... شرح تدبیر	ستمگران ۱۳۲
۱۵۸..... بصیرت ها و سنت های الهی	بصیرت ها و سنت های الهی ۱۳۵
۱۵۹..... پدران ما را باز آورید!	رهایی ستمدیدگان ۱۳۶
۱۵۹..... شرح تدبیر	حدیث ۱۳۶
۱۶۰..... بصیرت ها و سنت های الهی	شرح تدبیر ۱۳۶
۱۶۱..... قوم تبع به مثابه یک مثال	بصیرت ها و سنت های الهی ... ۱۳۸
۱۶۱..... حدیث	أسباب هلاکت فرعون ۱۳۹

شرح تدبیر..... ۱۶۲	بصیرت‌ها و سنت‌های الهی ... ۱۷۸
بصیرت‌ها و سنت‌های الهی ۱۶۳	آنان یاری نمی‌شوند! ۱۷۹
هدفمندی خلقت ۱۶۴	شرح تدبیر..... ۱۷۹
شرح تدبیر..... ۱۶۴	بصیرت‌ها و سنت‌های الهی ۱۸۰
عدالت خداوند با آفریدگان ۱۶۴	شفاعت..... ۱۸۱
عدالت میان حق و بازی ۱۶۷	حدیث..... ۱۸۱
بصیرت‌ها و سنت‌های الهی ۱۶۸	شرح تدبیر..... ۱۸۱
حق، مورا و افرینان ۱۶۹	بصیرت‌ها و سنت‌های الهی ۱۸۴
شرح تدبیر..... ۱۶۹	خوراک گناه‌پیشگان ۱۸۵
ابعاد حق ۱۷۰	حدیث..... ۱۸۵
حق، از مفهوم تا مصداق ۱۷۰	شرح تدبیر..... ۱۸۶
مصادیق حق ۱۷۰	خوراک دوزخیان ۱۸۷
۱- وجود، حق است. ۱۷۱	بصیرت‌ها و سنت‌های الهی ۱۸۹
۲- نظام وجود..... ۱۷۱	رشته‌های ما می‌گدازد! ۱۹۰
۳- تدبیرکننده وجود ۱۷۲	حدیث..... ۱۹۰
۴- حقوق موجودات..... ۱۷۲	شرح تدبیر..... ۱۹۰
نعمت و ادای حق ۱۷۴	بصیرت‌ها و سنت‌های الهی ۱۹۱
همزیستی با دیگران ۱۷۵	جایگاه و نوشیدنی کائنات ۱۹۲
۵- روز قیامت. ۱۷۵	شرح تدبیر..... ۱۹۲
بصیرت‌ها و سنت‌های الهی ۱۷۶	میان دوزخ ۱۹۲
میعادگاه همه ۱۷۷	عذاب آب جوشان ۱۹۳
شرح تدبیر..... ۱۷۷	بصیرت‌ها و سنت‌های الهی ۱۹۳

عذاب روحی ۱۹۴	شرح تدبیر ۲۰۹
حدیث ۱۹۴	بصیرت ها و سنت های الهی ۲۱۰
شرح تدبیر ۱۹۴	در بهشت، مرگ نیست ۲۱۱
بصیرت ها و سنت های الهی ۱۹۶	حدیث ۲۱۱
ریشه گناه ۱۹۷	شرح تدبیر ۲۱۱
شرح تدبیر ۱۹۷	بصیرت ها و سنت های الهی ۲۱۴
حک چیست ؟ ۱۹۷	بخششی از جانب پروردگار ۲۱۵
بصیرت ها و سنت های الهی ۱۹۹	شرح تدبیر ۲۱۵
جایگاه پروردگار ۲۰۰	بصیرت ها و سنت های الهی ۲۱۶
حدیث ۲۰۰	قرآن را بر زبان تو آسان گردانیدیم ۲۱۷
شرح تدبیر ۲۰۱	حدیث ۲۱۷
جایگاه انسان پرهیزکار کجا ۲۰۲	شرح تدبیر ۲۱۷
بصیرت ها و سنت های الهی ۲۰۳	شناخت فطری ۲۱۸
رفاه و خوشی بهشت ۲۰۴	بصیرت ها و سنت های الهی ۲۲۴
شرح تدبیر ۲۰۴	منتظر رانندگان ۲۲۵
بصیرت ها و سنت های الهی ۲۰۵	بصیرت ها و سنت های الهی ۲۲۶
ازدواج با حوریان درشت چشم ... ۲۰۶	منابع و مآخذ ۲۲۷
حدیث ۲۰۶	
شرح تدبیر ۲۰۶	
بصیرت ها و سنت های الهی ۲۰۸	
آسوده خاطر می طلبند! ۲۰۹	
حدیث ۲۰۹	

پیشگفتار

الْحَمْدُ لِلَّهِ بِجَمِيعِ مَحَامِدِهِ كُلِّهَا، عَلَى جَمِيعِ نِعَمِهِ كُلِّهَا، وَالصَّلَاةُ
وَالسَّلَامُ عَلَى رَبِّهِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَتْقِيَاءِ.

یک لحظه تفکر بکنید، می‌تواند کاری کند که مسیر زندگی تان را به
سوی خیر و نیک، تغییر دهد؛ همان لحظه‌ای که در آن، تصمیم
می‌گیرید پرده‌های غفلت، شک و شهوت را بدرید و پنجره‌ای رو به نور
پروردگار که از خورشید کتاب الهی تابش تابیدن گرفته است، بگشایید.

بنابراین، مطلوب آن است که با اعتماد کامل و با تمام مواهب فطری و عقل
و عاطفه خداداد، آغوش خویش را به روی کتاب خداوند بگشاییم تا در دم
خویش را برستیغ آگاهی و بیداری بباییم. توگویی هر روز در سوی کتاب خدا
نکرده، همه چیز را به چشم بصیرت می‌بینی و دلت نورانی می‌شود و هرگاه قرآن
با پرتو خود بر تو جلوه کند، مصداق این فرموده پروردگار سبحان می‌گردد: «نُورٌ
عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ»؛ «روشنی بر روی روشنی است، خدا هر
کس را بخواهد با نور خویش هدایت می‌کند».

این سوره که امروز افتخار نشستن بر خوان مبارک آن را داریم، شبی

خجسته را به یاد ما می آورد؛ شب قدر را... که اگر چه چند ساعتی بیش نیست، لیک از هزار ماه نکوتر است... از چه روی؟

زیرا شبی سرنوشت ساز است که اگر آدمی بخواهد - و مشیت پروردگار نیز چنین باشد - می تواند به بالاترین سطوح دست یابد و پس از آن در طول سال های حیاتش که شاید به بیش از هشت دهه برسد، در سایه سار رحمت پروردگارش زندگی می کند. وه! چه زندگی شیرینی که نور پروردگار و آفتاب هدایت او، سراسر آن را در بر گرفته است.

پس ای کسانی که ایمان آورده اید تا در آیات مبارکه سوره دخان تدبر کنیم، پیش تر در ماه رمضان سال ۱۴۰۱ (ق) برداشت هایی از این سوره داشته ام و اینک نیز که لطف الهی، در راستای فزون تری را بهره ام ساخته است برخی از آن یافته ها را به خوانندگان ارجمند هدیه می کنم، گرچه خواننده دل آگاه، خود نیز می تواند مستقیماً الهاماتی را بسوی یادشده داشته باشد و بهره های بیشتری ببرد و مرا نیز از دعای خیر خویش بی نصیب نگذارد.

والله المستعان

حجت - نقی مدرسی

تربیان معارف

۳ محرم الحرام ۱۴۳۸ - ۱۱ ق

درآمد

فضیلت سوره

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

«هر کس سوره دخان را در روزهای واجب و مستحب خود بخواند، خداوند او را روز قیامت با کسانیکه در بهشت مانده اند، برانگیزد، و او را در سایه عرش خویش جای دهد، و حساب آسانی از او گیرد، و نامه اعمالش را به دست راستش دهد».^۱

نام گذاری سوره

سبب نام گذاری سوره، وجود آیه ای است که از لحظه ام، سخن می گوید که «دخان» (دود)، مردمان را در بر می گیرد. پس به راه می، آن لحظه، چگونه لحظه ای است؟

۱- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۱۴۱ به نقل از: شیخ صدوق. محمد بن علی، ثواب الاعمال، ص ۱۱۴: «مَنْ قَرَأَ سُورَةَ الدُّخَانِ فِي فَرَائِضِهِ وَتَوَافَلِهِ بَعَثَهُ اللَّهُ مَعَ الْأَمِينِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَظَلَّلَهُ تَحْتَ عَرْشِهِ وَحَاسِبَهُ حِسَاباً يَسِيراً وَأَعْطَاهُ كِتَابَهُ يَمِينَةً».

ظاهراً آن لحظه، لحظه‌ای است که انسان به جزای اعمال خود می‌رسد، چه هنگام مرگ، چه در روز قیامت. انسان در هر دوی این لحظات، به سرگشتگی دچار می‌شود و تمامی توانایی‌ها و رهیافت‌های خویش را فرو می‌گذارد و از فرط حیرت، آسمان در نظرش به سان «دود» جلوه می‌نماید. آیا شنیده‌اید که تشنه لب، از شدت تشنگی، آسمان را به شکل دود می‌بیند؟ نیز شاید دود، واقعیتی بیرونی باشد، یعنی واقعاً دودی در کار باشد، نه اینکه انسان به سبب حالت روحی و روانی خود، آسمان را دود پندارد.

شاید سوره «دخان» همین سبب، نامی چنین به خود گرفته باشد، یعنی به اعتبار نام آن که آدمی در آن به حیرت دچار می‌گردد و پیوندش را با دنیا و توانایی‌های خود می‌گسلد و تنها با پروردگار سبحان پیوند می‌یابد.

چارچوب عمومی سوره

پیش از تدبر در سوره، ناگزیر باید با هدف عمومی سوره و چارچوبی که آیات مبارکه این سوره را در خود جای می‌دهد، آشنا شویم. یک نیمه: آفت «سوره» از «سور» ستانده شده است و «سور» به معنای دیوار گرداگرد شهر یا خانه است که شهر یا خانه را از پیرامون خود جدا و از دیگر جای‌ها متمایز می‌سازد. شناخت و آگاهی از چارچوب عمومی سوره - همان‌سان که پیش‌تر گفته‌ایم^۱ - ما را یاری می‌رساند تا مضامین سوره را نکوتر در یابیم و در آیات مبارکه‌اش با ژرفایی فزون‌تر تدبر کنیم.

۱- هنگام تدبر در دیگر سوره‌ها.

پس هدف سوره دخان و چارچوب عمومی آن چیست؟
پیش از پاسخ به این پرسش، ناگزیر باید به موضوعی اشاره کنیم که نزد ادیان گوناگون اهمیتی به سزا دارد و فیلسوفان و متکلمان درباره آن، رنگ و رنگ سخن رانده‌اند: رابطه آفریدگار با آفریدگان، که اگر بخواهیم آن را در پرسشی جای دهیم، می‌گوییم: رابطه آفریدگار با آفریدگان چگونه است؟

ظریه الحادی

اندیشمدان دین پرست، پاسخ‌های گوناگون داده‌اند. برخی وجود آفریدگار را انکار می‌کنند، چه رسد به اینکه درباره ارتباط آفریدگار با آفریدگان به گفت‌وگو بنشینند! آنان دنیا و مافیها را همچون شمعی سوزان می‌بینند که راه ذوب را می‌پایند. آنگاه در دوری نامتناهی، شمعی دیگر جای آن را می‌گیرد.

این نظریه، عموماً در رویارویی دین، فاگیر شد و به سبب اینکه از سوی لائیک‌ها، پس از انقلاب مشهورش، در فرانسه، پذیرفته گردید، شهرت یافت. لائیک‌ها، مراکز علمی را در برابر مرکز عبادی تأسیس کردند، همان‌گونه که در شوروی سابق، کفرخانه‌ها را در برابر خدا خانه‌ها ایجاد نمودند.

لیک بازار پیروان این نظریه، به سرعت از رونق افتاد؛ زیرا این نظریه سطحی بود و با فطرت پاک بشری، ناسازگاری داشت و عالمی چنین سترگ، نمی‌توانست بدون آفریدگاری دانا بماند. سپس پیروان این نظریه در جهان، گزم، ره نقصان و کاهش را پویدند؛ یا به این سبب که آفریدگان عظیم و ظریف آفریدگار را کشف کردند که هوش از سرمی‌بردند، یا از آن روی که دانشمندان، هر روز، آفریدگانی نوراً می‌یافتند که خدای سبحان

آنان را آفریده بود، و این بر ضرورت وجود صانع تأکید داشت؛ همان گونه که خداوند می فرماید: «وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ»؛ «و آسمان را به قدرت خویش برافراشتیم و بی گمان، ما [آسمان] گستریم».

نظریه یهودیان

پس از نظریه الحادی - و در پیروی از وسوسه های ابلیس - نظریه ای دیگر با این مفاد، سربرآورد که آفریدگار، هستی و آنچه را که در آن است، آفریده، و لذا آن را بر ما نمود تا خود، امور خویش را نظم و سامان بخشد، و بدین روی - اگر کار سرانجام یافت و هستی دیگر به خداوند سبحان، نیازی ندارد. یهودیان بر روی برخی فیلسوفان گفتند که: «يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ»؛ «دست خدا بسته است».

در پاسخ به این نظریه باید گفت: اگر این سخن درست باشد که خود هستی، امور خویش را نظم و سامان می بخشد، پس این تباهی ها و مفاسد از کجا آمده است؟ و چگونه گردنکشان را - رازنای تاریخ بر تخت حکومت تکیه زدند و دنیا را به تباهی کشاند و شست و نسل را نابود

۱- ذاریات / ۴۷.

۲- مائده / ۶۴: خدای سبحان می فرماید: «و یهود گفتند: دست خدا بسته است». دست های خودشان بسته باد! و به [سزای] آنچه گفتند، از رحمت خدا دور شوند! بلکه هر دو دست او گشاده است، هرگونه بخواهد می بخشد. و قطعاً آنچه از جانب پروردگار به سوی تو فرود آمده، بر طغیان و کفر بسیاری از ایشان خواهد افزود، و تا روز قیامت میان شان دشمنی و کینه افکنديم. هر بار که آتشی برای پیکار برافروختند، خدا آن را خاموش ساخت. و در زمین برای فساد می کوشند. و خدا مفسدان را دوست نمی دارد».

کردند؟ و از چه رو در خلقت، انحراف و ناهمگونی می بینیم؟ آیا این نقض غرض خلقت نیست؟

ایمان به آفریدگار حاکم

از آن روی که اندیشه یهودیان بی مایه و سبک بود و در واقعیت موجود با شکست روبه رو گردید، عقل سلیم چنین اعتراف کرد که خدای سبحان، آفریدگار هستی است و بر آفریدگان، چیرگی و حاکمیت دائمی دارد و روح را از سر لحظه و آن، به خدای تعالی بستگی دارد. بیشتر کسانی که امروز روی کره خاکی زندگی می کنند، به این اصل ایمان دارند، اگر چه در تفاسیل آن با یکدیگر به اختلاف دچارند.

لیک - به رغم ایمان به وجود آن آفریدگار حاکم و چیره - بشریت نتوانست به پاسخ این پرسش - سن، یابد که ماهیت ارتباط دو سویه میان آفریدگار و آفریده چیست؟ و همچنان در این باره به حیرت و سرگستگی دچار است.

در حقیقت، مذهب اهل بیت علیهم السلام که اسلام حقیقی و ناب را نمایندگی می کند، تنها مذهبی است که این ارتباط را به گونه ای روشن، تبیین نموده است؛ اما چگونه؟

آیات قرآن کریم، ارتباط و سخن گفتن خدای سبحان با ما را تبیین می کند و در جهت مقابل، دعا‌های اهل بیت علیهم السلام از کیفیت ارتباط با خدا - سبحانه و تعالی - و نوع آن پرده برمی دارد.

ارتباط میان آفریدگار و آفریده

یکی از اهداف سوره دخان آن است که ارتباط میان انسان و خالق او

جلّ و علا - را تنظیم کند و او را با پروردگار سبحان مأنوس سازد و چگونگی دستیابی به آن مرتبه را به او بیاموزد.

به رغم اینکه تمامی سوره‌های قرآن در این مسیر، جریان می‌یابند، لیک سوره دخان، دربردارنده جلوه‌های فزون‌تری در این مسیر است؛ برخی از این جلوه‌ها عبارت‌اند از: سخن از شب قدر و ارتباط با خدای سبحان، بیان فرجام کسانی که خدای عزّوجلّ و اراده او را به چالش کشیدند و حوضی را بزرگ‌تر از آن پنداشتند که بنده خداوند باشد و اشاره به چگونگی حشر گنه‌من با خدای سبحان.

دعا، راه شناخت خدا

هریک از ما می‌داند تا شناخت خدای تعالی دست یابد؛ پس راه شناخت خداوند چگونه است؟

گاه آدمی برای شناخت خداوند، مجموعه‌ای از مفاهیم، دلایل و براهین اثبات‌کننده صانع و نام‌ها، صفات او را در ذهن خویش ذخیره می‌کند، و گاه قلب مؤمن، مستقیماً با خدای سبحان ارتباط برقرار کرده، با او چنان انس می‌گیرد که شیرینی‌اش مانند ندارد. انس باط و انس قلبی در تمام عمر، شاید جز یک لحظه نباشد، اما همین یک لحظه برای شناخت و معرفت خدای سبحان، کافی است.

از همین جاست که باید بکوشیم تا به آن جایگاه والا و مرتبه بلند در شناخت خدای تبارک و تعالی دست یابیم. هنگامی که برخی دعاهای اهل بیت (علیهم‌السلام) را می‌خوانیم، آنان را می‌بینیم که با پروردگار خویش راز و نیاز می‌کنند و با گفت‌وگوی با او انس می‌گیرند. برای نمونه، امام زین‌العابدین (علیه‌السلام) در یکی از مناجات‌های خویش می‌فرماید: «مرا از خود

مَبْرُ و مرا از خودت دور مکن، ای نعیم و جنت من! وای دنیا و آخرت!»^۱
پیش از آن حضرت، امام حسین (علیه السلام) در صحرای عرفات به دعا
می ایستد و می گوید: «آن که تورا نیافت، چه یافته است؟ و آن که تورا
یافت، چه نیافته است؟»^۲

انسان به آسانی به این مرتبه دست نمی یابد، بنابراین ناگزیر است
تا رسیدن به این مرتبه، همواره سعی و تلاش کند و مسئله اساسی در
این باره آن است که به مؤمن، این احساس دست دهد که خدای تعالی به
او نزدیک است. دعا و مناجات او را می شنود. روایت شده است که کسی
از پیامبر (صلی الله علیه و آله) پرسید: آیا پروردگار ما نزدیک است تا آهسته بخوانیمش یا
دور است تا آوازش بشنویم؟ پس این آیه فرود آمد: ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي
فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ
يَرْشُدُونَ﴾^۳؛ «وهرگاه بندگان من از تو در راه من بپرسند، [بگو:] من نزدیکم،
و دعای دعاکننده را - به هنگامی که مرا خواند - اجابت می کنم، پس
[آنان] باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آرند، باشد که راه یابند».

خدای سبحان را بخوان؛ همان آفریدندگی که تو را آفرید، و همان
روزی دهنده ای که تو را بی نیاز ساخت، و همان مهربانی که به او پناه بردی
و بر تو رحم آورد، و همان کسی که هنگام نیاز، سوی او شتافتی و تو را نومید

۱- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۱۴۸: «وَلَا تَقْطَعْنِي عَنْكَ،
وَلَا تُبْعِدْنِي مِنْكَ، يَا نَعِيمِي وَجَنَّتِي، وَيَا دُنْيَايَ وَآخِرَتِي».

۲- همان، ج ۹۵، ص ۲۲۶: «مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ؟ وَمَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ رَجَدَكَ».

۳- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۰۰: «أَقْرَبُ رَبَّنَا فَتُنَاجِيهِ أَمْ يَبْعِدُ
فَتُنَادِيهِ».

۴- بقره/ ۱۸۶.

نکرد. او همان خدایی است که تمامی بندگان - مؤمن و کافر - در سختی‌ها به او پناه می‌برند و او نیز آنان را از چنگال سختی و گرفتاری‌های می‌بخشد. روایت شده است که مردی نزد امام صادق علیه السلام آمد و عرض کرد:

«ای پسر رسول خدا! مرا راهنمایی کن که خدا چیست؟ زیرا مجادله‌کنندگان برایم بسیار از او گفته‌اند و مرا حیران کرده‌اند؟
امام او را فرمود: ای بنده خدا! آیا هرگز سوار کشتی شده‌ای؟

عرض کرد: آری.
فرمود: آیا کشتی‌ها شکسته شده است، آن‌سان که نه کشتی دیگری نجات دهد و ناشناخته کارت آید؟

عرض کرد: آری.
فرمود: آیا در آن دم، به چیزی از چوب یا دل نبستی که بتواند تو را از مشکلی که در آتی، نجات دهد؟

عرض کرد: آری.
امام صادق علیه السلام فرمود: آن چیز همان خداست که قادر است در نبود منجی و یاور، تو را نجات دهد و یاری رساند»^۱.

این پروردگار، همان «الله» است، پس در نماز خود با این شناخت و

۱ - شیخ صدوق، محمد بن علی، التوحید، ص ۲۳۱: «يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، ذُلَّنِي عَلَى اللَّهِ مَا هُوَ، فَقَدْ أَكْثَرَ عَلَيَّ الْمُجَادِلُونَ وَخَيَّرُونِي؟ فَقَالَ لَهُ: يَا عَبْدَ اللَّهِ هَلْ رَكِبْتَ سَفِينَةً قَطُّ؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: فَهَلْ كُيِّمَ بِكَ حَيْثُ لَا سَفِينَةٌ تُنْجِيكَ وَلَا سَبَاخَةٌ تُغْنِيكَ؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: فَهَلْ تَعَلَّقَ قَلْبُكَ هُنَالِكَ أَنَّ شَيْئًا مِنَ الْأَشْيَاءِ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يَخْلُصَكَ مِنْ وَرَظَتِكَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ. قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: فَذَلِكَ الشَّيْءُ هُوَ اللَّهُ الْقَادِرُ عَلَى الْإِنِّجَاءِ حَيْثُ لَا مُنْجِيَ وَعَلَى الْإِغَاثَةِ حَيْثُ لَا مُغِيثٌ».

معرفت به اوروی کن، اما اگر در نماز و عبادت خود، با این کیفیت به پروردگار روی نکنی، بدان که هم چنان میان تو و پروردگار، حجابی در میان است. از آن روی که موضوع شناخت و عبادت پروردگار با سرنوشت ابدی و نهایی ما در ارتباط است، پس ناگزیر باید در این راه به مراتب بالا برسیم و تا واپسین لحظات زندگی از آن مراقبت کنیم.

افزایش شناخت خدا، چگونه؟

یکی از بهترین راه‌ها برای رسیدن به خدا - سبحانه و تعالی - تجربه شخصی است. براداران از تجربه شخصی، به یاد آوردن حالت‌های دشواری است که آنان در طول زندگی خویش گذرانده است و طی آن از همه چیز و همه کس نومید گشته، سپس به خدای سبحان دل بسته است و خداوند نیز او را نسبت داده، و رگ رفتاری رهایی‌اش بخشیده است.

گویم: با یادآوری آن حالت‌ها و تصور آن در ذهن است که حجاب از قلب مؤمن برگرفته می‌شود. همان‌گونه که در برخی از دعا‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) آمده، بایسته است همانند کسی که در حال غرق شدن است یا به آتش سوزی دچار شده است، به درگاه پروردگار دست دعا بر داریم تا بدین روی، حالت آنان و بریدن شان از هر چه غیر خدا، سبحانه است را احساس نماییم.

یکی دیگر از راه‌های شناخت پروردگار، درنگ و اندیشه در فرجام کار کسانی است که در ناز و نعمت می‌زیستند و خدای سبحان را از یاد برده بودند و با فرمانش به مخالفت بر می‌خاستند و فرستادگانش را به ریشخند می‌گرفتند، و خداوند نیز چون شکست ناپذیری توانمند، گریبان آنان را

گرفت.

نیز یکی دیگر از راه‌های شناخت و معرفت پروردگار، دقت و تفکر در آیات و نشانه‌های اوست که در آفاق و جان و تن انسان به یادگار نهاده شده است.

پروردگاری که آیات قرآن کریم - و از جمله آیات سوره دخان - از او برای ما سخن می‌گویند، پروردگاری نیست که دست از کار کشیده و آفریدگان را در حال خود رها کرده باشد، بلکه او پروردگار رحمانی است که بر عرش، استیلا دارد و بر همه چیز حاکم و مسلط است؛ خدای تعالی می‌فرماید: «إِنَّ رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ لَنُتَهَاءَ الْمُبَهُ حَيْثُهَا»؛ «در حقیقت، پروردگار شما آن خدایی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید؛ سپس بر عرش استیلا یافت. روز را به شب - نه شتابان آن را می‌طلبد - می‌پوشاند».

خداوند با اراده‌اش که بر هستی، حاکم و مسلط است، روز را به شب - که شتابان آن را می‌طلبد - می‌پوشاند، و خداوند روز نیست که مقهور اراده‌ی خداوند می‌باشند، بلکه ای انسان! قلب و نواز میان دست قدرت خداوند رحمان است و اراده‌ی تو نیز رام اراده‌ی اوست. رقص و تصمیم تو نیز در دست اوست؛ همان‌گونه که در حدیثی شریف از امام باقر (ع) روایت شده است که مردی در برابر امیرالمؤمنین علی (ع) برخاست و عرض کرد: ای امیرمؤمنان! خدا را به چه شناختی؟

فرمود: «به برهم زدن تصمیم و درهم شکستن قصد. وقتی قصد کاری کردم، میان من و قصدم، مانعی به وجود آمد و آنگاه که تصمیمی گرفتم،

قضای الهی با تصمیم من ناسازگاری کرد. پس دانستم که تدبیرکننده‌ای
جز من وجود دارد».^۱

۱- فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۳۰: «بَفَسَخَ الْعَرَائِمَ وَمَنَعَ
الْهَمَّةَ، لَمَّا أَنَّ هَمَمْتُ بِأَمْرِ فَحَالَ بَيْنِي وَبَيْنَ هَمَّتِي، وَعَزَمْتُ فَخَالَفَ الْقَضَاءُ عَزْمِي،
عَلِمْتُ أَنَّ الْمُدَبِّرَ غَيْرِي».